

مسئولیت پزشک

در پرتوی آموزه‌های فقه

www.ketab.ir

طاهره آشوری

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۹

□ مباحث مقدماتی

فصل اول: مفهوم شناسی.....	۱۵
تعریف مسئولیت.....	۱۵
تعریف ضمان.....	۱۹
تعریف پزشک.....	۲۰
تعریف بیمار.....	۲۲
تعریف مسئولیت پزشکی.....	۲۳
انواع مسئولیت پزشکی.....	۲۳
۱. مسئولیت مدنی پزشک.....	۲۵
۲. مسئولیت کیفری.....	۲۹
فصل دوم: مبانی مسئولیت پزشک و ارکان آن.....	۳۰
مبانی فقهی مسئولیت پزشک.....	۳۰
ارکان مسئولیت پزشک.....	۳۷
۱. خطای پزشک.....	۳۷
۲. تحقق خسارت.....	۵۱
۳. رابطه سببیت.....	۵۶

□ مسئولیت پزشک در فقه و موجبات مسئولیت و سقوط آن

فصل اول: مسئولیت پزشک در پرتو فقه.....	۷۱
مقدمه.....	۷۱
پزشک جاهل.....	۷۵

پزشک خطا کار و مقصر	۷۹
پزشک حاذق و متخصص	۸۲
۱. دیدگاه مشهور و ادله آن (ضمان پزشک)	۸۵
۲. دیدگاه غیر مشهور و ادله آن (عدم ضمان پزشک)	۱۰۸
۳. نقد و ارزیابی ادله مشهور	۱۲۸
فصل دوم: موجبات مسئولیت پزشک	۱۴۵
مقدمه	۱۴۵
۱. صدمات جسمانی	۱۴۶
الف) صدمه جسمانی منجر به مرگ	۱۴۷
ب) صدمه جسمانی مادون نفس	۱۴۹
۲. صدمات مادی	۱۵۰
۳. صدمات معنوی	۱۵۲
۴. افشای اسرار بیماران	۱۵۴
۵. فریب و خدعه به بیمار	۱۵۸
۶. خودداری از درمان بیماران	۱۵۹
فصل سوم: موارد سقوط مسئولیت پزشک	۱۶۱
اجازه قانون گذار	۱۶۱
قصدها، معالجه و درمان	۱۶۳
م شروع بودن عملیات پزشک	۱۶۶
رعایت موازین پزشکی	۱۶۷
رضایت بیمار و براثت طبیب	۱۶۸
نتیجه گیری	۲۰۶
منابع و مأخذ	۲۰۹

پیشگفتار

یکی از مسائل مهم فقه، مسئولیت پزشک است و آن یعنی تعهد پاسخگویی هر پزشکی که امکان سؤال و مؤاخذه در خصوص فعل یا ترک فعل عمل پزشکی اش وجود داشته باشد. علم پزشکی به علت طبیعت و ذات آن و به جهت نقص علم طب، تقصیر پزشک و عدم موفقیت و متضرر شدن بیماران، امری محتمل و قابل انتظار است.

تأکید فقه امامیه نسبت به لزوم جبران ضرر و حمایت از حق بیماران زیان دیده از یک سو و لزوم امنیت شغلی و آرامش خاطر پزشکان از سوی دیگر، بررسی فقهی مسئولیت پزشک در برابر بیمار را امری ضروری می‌نماید. همه فقهای امامیه در دو مورد، پزشک را بالاجماع ضامن می‌دانند. یکی در برابر ضررهایی که ناشی از عدم حذقت علمی و یا عملی و یا تقصیر پزشکی باشد، دیگری در مورد ضررهایی است که اگرچه پزشک از نظر علمی و عملی معصوم نمی‌باشد، اما اقدامات درمانی را بدون اذن بیمار - به جز حالت اضطرار - انجام داده است، زیرا عمل پزشک در این موارد مصداقی بارز از اتلاف و تعدی و تفریط محسوب می‌گردد. در مورد پزشک حاذق مأذون غیرمقصر، اگرچه برخی فقها با استناد به وجود اذن بیمار، اذن شرع و قاعده احسان حکم به عدم ضمان داده‌اند، ولی مشهور فقهای امامیه جز در مورد اخذ برائت از بیمار و اضطرار، با استناد به قواعد اتلاف، لاضرر، غرور، روایت سکونی معتقد به ضمان مطلق پزشک هستند.

با توجه به ناتوانی اکثر بیماران در اثبات تقصیر پزشک، چنانچه مسئولیت مدنی پزشک به حوزه تقصیر محدود شود حقوق بسیاری از

آنان پایمال خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد که از میان دیدگاه فوق، نظر مشهور مبنی بر ضمان مطلق پزشک مگر در صورت اضطرار و اخذ برائت از بیمار در کنار حکم به جبران ضرر از سوی بیت المال در موارد خاص احسان و اضطرار، بهتر می‌تواند موجب رعایت حقوق بیمار و پزشک بشود و به عدالت نزدیک‌تر است.

www.ketab.ir

مقدمه

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي؛ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي»؛ خداوندا همواره از تو در مقابل نعمت سلامتی که به من داده‌ای سپاسگزارم، و برای بیماری که در بدنم ایجاد می‌کنی سپاس می‌گویم (فرازی از دعای پانزدهم صحیفه سجادیه)

در شریعت اسلام یادگیری طب واجب کفائی است، و بر هر شخص مسلمان واجب است تا زمانی که به اندازه کافی آن را فرا گرفته‌اند به یادگیری طب بپردازند. در دستورات پیامبر اکرم ﷺ توجه خاصی به بهداشت و امور پزشکی مبذول شده و علم طب از چنان مرتبه والائی برخوردار است که همسان علم دین و خداشناسی است و نجات دادن یک انسان به منزله نجات همه جامعه است. علاوه بر ارج و ارزش معنوی، شغل طبابت جایزه ویژه‌ای در تمام ادوار تاریخ در جامعه داشته است و همواره اطباء از طبقات ممتاز به حساب می‌آمدند. بیماران نیز همیشه بر اطباء اعتماد نموده و جان خویش را تحت اختیار پزشک قرار داده و بدون اینکه حق مناقشه و چون و چرائی برای خویش در دستورات داروئی و معالجات دیگر قائل شوند او را برای انجام هر عملی آزاد گذاشته‌اند. در مقابل پزشکان نیز دارای تکالیفی می‌باشند و لازم است که از تخصص علمی لازم برخوردار بوده تا بیماران از - خطرات ناآشنایی آنان با اصول علم طب محفوظ مانده و همواره سعی و تلاش صادقانه و انسانی خویش را در جهت مصلحت بیمار بکار بندند. پزشک انسان است و مانند هر انسان دیگری ممکن است مرتکب

خطا و اشتباه شود. در برخی مواقع نیز علیرغم سعی و تلاش پزشک و عدم وقوع هر اشتباهی از جانب او ممکن است معالجات پزشک منجر به ایراد خسارات مالی و جانی بیماران شود. لذا این سوال مطرح می‌شود که چه چیزی پزشک را مجاز می‌نماید که به بیماران خویش در هنگام معالجه ضرر وارد نماید؟ و در چه حالاتی پزشک مسئول جوابگویی به اعمال خویش می‌باشد؟

ضمان پزشک یکی از مباحثی است همواره ذهن فقهای شیعه را به خود جلب نموده است. به لحاظ اهمیت این موضوع، حتی ائمه معصومین: نیز در این خصوص به اظهار نظر پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در روایت معروف «المسکونی» که مورد استناد اکثر فقهای امامیه قرار گرفته است، راوی از امام جعفر صادق علیه السلام حدیثی را نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که طبابت یا بی‌طابت کند باید از ولی بیمار و یا از صاحب حیوان برائت اخذ نماید در غیر این صورت ضامن است.»

فقهای امامیه، مسئولیت پزشک را تحت عنوان «ضمان پزشک» مورد بررسی قرار داده، و پزشک را به چند دسته تقسیم کرده‌اند و مبنای گوناگونی را ارائه نموده‌اند که بر اساس آنها، پزشک ضامن تلف یا نقص عضو جسمانی و روانی ناشی از طبابت خویش می‌باشد.

نگرش فقه اسلامی حکایت از آن دارد که ضمان پزشک در جایی که صدمات وارده، ناشی از تحصیل اجازه باشد و در جایی که آن صدمات، ناشی از تحصیل برائت باشد دارای آثار متفاوتی است.

به طور کلی بر طبق ضوابط فقهی و اسلامی چنانچه افراد جاهل و ناآگاه مبادرت به خدمات پزشکی نمایند و به جای اصلاح و علاج بیمار باعث فساد و تباهی او گردند در قبال اعمال خویش مسئول می باشند و اگر طبابت آنها منجر به فوت یا نقص عضو بیمار گردد ضامن دیه خواهند بود و حتی برای دسته ای از پزشکان، مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است و چنانچه پزشکان عمداً مرتکب جرایم علیه اشخاص شوند محکوم به قصاص می شوند.

با این مقدمه بیان می داریم که کتاب حاضر از دو بخش شکل گرفته است: بخش اول که با عنوان مباحث مقدماتی آمده است از دو فصل، مفهوم شناسی و باطنی تحقیق تشکیل شده، بخش دوم نیز که با عنوان مسئولیت پزشک در قبال مراجعات مسئولیت و سقوط آن آمده، از سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول مسئولیت پزشک در پرتو فقه، فصل دوم موجبات مسئولیت پزشک و در فصل سوم به موارد سقوط مسئولیت پزشک پرداخته شده است.

در پایان خدای متعال را بر این توفیق سپاس می گویم و از همه بزرگوارانی که بنده را به هر طریقی در تهیه و تدوین این اثر یاری نمودند تشکر و قدردانی می نمایم؛ امید است در پرتو نظرات سازنده و پیشنهادات ارزنده ی اساتید و پژوهشگران این عرصه، ارتقاء کیفی و محتوایی اثر حاضر محقق گردد.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

«من الله التوفیق»